

زمینه‌سازی برای انتخابات بعدی با انتخاب رحیم مشایی

گفت و گو با دکتر علیرضا نامور حقیقی، پیرامون اختلاف اصول‌گرایان بر سر انتخاب رحیم مشایی به‌عنوان معاون اول

نیک‌آهنگ کوثر

))))))))))))))))))))))

مطرح شدن نام اسفندیار رحیم مشایی به‌عنوان معاون اول رییس جمهوری در دوره‌ی بعدی زمامداری آقای احمدی‌نژاد با مقاومت‌های زیادی از سوی اصول‌گرایان روبه‌رو شده است. براساس اخبار رسیده از تهران گفته می‌شود که مخالفت با آقای رحیم مشایی به بیت رهبری نیز کشیده شده است.

با این همه آقای احمدی‌نژاد سخت در پی آن است که تحت هر شرایطی آقای رحیم مشایی را به‌عنوان معاون اول خود در کابینه‌ی نسب کند. اما بعضی از تحلیلگران، معرفی آقای رحیم مشایی در شرایط فعلی را تاکتیکی از سوی آقای احمدی‌نژاد می‌بینند.

در همین رابطه با دکتر علیرضا نامور حقیقی، مدرس دانشگاه تورنتو و تحلیلگر سیاسی گفت و گو کرده‌ام.

))))))))))))))))))))))

یک نظر این است که آقای احمدی‌نژاد در حقیقت می‌دانست که بیت و مجلس و دیگر نیروهای اصولگرا با انتصاب آقای مشایی مخالف هستند و در حقیقت می‌خواهد با معرفی او و بعد کوتاه آمدن در مورد آقای مشایی در قبال گرفتن رأی اعتماد کابینه‌اش امتیازگیری کند.

اما نظر دومی که مطرح می‌شود این است که به دلایل مختلف، نگاه آقای احمدی‌نژاد برای انتصاب آقای مشایی یک نگاه استراتژیک (برآوردی) است. آقای احمدی‌نژاد انتظار دارد که با انتصاب آقای مشایی او را برای انتخابات ریاست جمهوری دوره‌ی بعد آماده کند.

یعنی اگر ایشان نتواند برای بار سوم با تغییر قانون اساسی کاندیدا بشود، بهترین نفر و فردی که در حقیقت نماینده‌ی دیدگاه ایشان است و می‌تواند دیدگاه ایشان را ادامه بدهد، آقای مشایی است.

نکته‌ی دوم این است که آقای احمدی‌نژاد و مشایی از لحاظ فکری و اندیشه بسیار به هم نزدیک هستند و آقای مشایی، ورژن در حقیقت اصلاح‌طلبانه‌ی آقای احمدی‌نژاد است. یعنی آقای مشایی اعتقاد دارد چهره‌ای که کیهان شریعتمداری و هیأت مؤتلفه از آقای احمدی‌نژاد ترسیم می‌کنند آن چهره‌ی آقای احمدی‌نژاد نیست. و آقای احمدی‌نژاد باید خودش را از کیهان و هیأت مؤتلفه خلاص کند و احمدی‌نژاد واقعی نشان داده بشود.

دکتر علیرضا نامور حقیقی، مدرس دانشگاه تورنتو و تحلیل‌گر سیاسی

در حقیقت این کاری است که آقای مشایی دارد انجام می‌دهد. مسافرت‌های ایشان به خارج، ملاقاتش با ایرانیان مقیم خارج و دعوت بعضی از چهره‌هایی که حتماً نمی‌توانستند در دوره‌ی آقای خاتمی به ایران بیایند، در راستای همین سیاست است. و ایشان معتقد است این سیاست است که می‌تواند طبقه‌ی متوسط را جذب کند و آقای احمدی‌نژاد نباید اسیر کیهان شریعتمداری بشود.

نکته‌ی سوم هم این است که آقای مشایی دیدگاهی در رابطه با امام زمان و حکومت دارد که در حقیقت آقای احمدی‌نژاد هم در همان راستا عمل می‌کند و دولت تحت نظارت امام زمان و پاسخگو به امام زمان است. دولت در حقیقت دولت امام زمان است.

اگر از این زاویه نگاه کنیم بخش ولایت فقیه کمرنگ می‌شود، چون نظارت اصلی به عهده‌ی امام زمان است و پاسخگویی هم به جای این‌که به ملت و افکار عمومی باشد، به امام زمان خواهد بود. این نکته‌ای است که باید به آن توجه بشود. در چنین حالتی، دولت اسلامی بسط ید دارد و باید دستش باز باشد که بتواند عمل کند. این در حقیقت تقاضایی است که همیشه آقای احمدی‌نژاد داشته است، ولی نهادهای قدرت در ایران ایشان را محدود کردند.

به نظر شما با توجه به شرایطی که می‌بینیم، از الان می‌شود پیش‌بینی کرد که آقای رحیم مشایی کاندیدای دور بعدی ریاست جمهوری باشد؟

اگر آقای احمدی‌نژاد بخواهد بیاید و به لحاظ قانونی نتواند، نزدیک‌ترین فرد به دیدگاه آقای احمدی‌نژاد، آقای مشایی است و در عین حال آقای مشایی مسأله‌ی جذب طبقه‌ی متوسط و نیروهای به حاشیه‌رانده توسط بورکراسی‌های قبل را برای ارتقای آرای دولت دهم دنبال می‌کند.

اگر مقام رهبری مخالف انتصاب آقای مشایی باشند و باز آقای احمدی‌نژاد اصرار بکنند، برنده‌ی این جدل چه کسی خواهد بود؟

در عمل چندین مورد که این مخالفت‌ها اتفاق افتاده، معمولاً در برابر نظر بیت رهبری، نظر احمدی‌نژاد پیش برده شده است. در مورد آقای پورمحمدی، مظاهری و آقای لاریجانی، در نهایت آقای احمدی‌نژاد نظرش را پیش برده است. ولی فرض کنید در مورد نماینده‌ی آقای ری‌شهری در سازمان حج و زیارت با این‌که اهمیت زیادی ندارد چه کسی باشد، اما رهبری نظرش را پیش برد.

به هر حال هر دو مورد اتفاق افتاده است. ولی در این مورد خاص بعید می‌دانم که بیت رهبری کوتاه بیاید و احمدی‌نژاد مجبور می‌شود که تغییر بدهد و اگر تغییر ندهد، این است که آقای احمدی‌نژاد می‌خواهد نشان بدهد رأی‌ام متعلق به مردم است. و کیهان شریعتمداری و هیأت مؤتلفه و این گروه‌های دانشجویی اصولگرا نقشی در پیروزی من ندارند و بنابراین من خودم رییس جمهور مردم هستم و اثبات این امر است.

و اگر آقای مشایی را تغییر بدهد، نمایانگر این است که آقای احمدی‌نژاد در حقیقت به عنوان یک ابزار مورد استفاده واقع شده و قدرت تصمیم‌گیری‌اش محدود است و حتماً نمی‌تواند معاون اول خودش را انتخاب کند.

بنابراین در اینجا گروه‌های اصولگرا که در حقیقت «نه» می‌گویند به آقای مشایی، باید توجه داشته باشند، «نه»ی آن‌ها به آقای مشایی به معنای «نه» به آقای احمدی‌نژاد است. من دلیل حمایت بی‌چون و چرای آن‌ها را از آقای احمدی‌نژاد درک نمی‌کنم، چون آقای احمدی‌نژاد به صراحت گفته‌اند از همه‌ی نظراتی که آقای مشایی دارند، حمایت می‌کنم.

اگر مسأله‌ی آقای مشایی مربوط به «گاف»ها و اشتباهات سخن گفتن باشد، این موارد را آقای احمدی‌نژاد هم بیشتر دارند، مثل مسأله‌ی «هاله‌ی نور» که آقای جوادی آملی تأیید کردند و مقامات مذهبی به شدت ملامت کردند یا حذف اسرائیل از روی نقشه که بعداً خودش مجبور شد تکذیب کند و دیگر تکرار نکرد.

nikahang@radiozamaneh.com

+++++

برچیده تیرستان از رادیو زمانه. 1-5-1388 / 23-7-2009
http://zamaaneh.com/analysis/2009/07/post_1070.html